

برگزاری نهمین نشست از سلسله نشست‌های وحدت و تمدن‌سازی با موضوع «راهبردهای تبلیغی در ترویج محبت اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در مناطق تلفیقی»

نهمین نشست از سلسله نشست‌های تخصصی «وحدت و تمدن‌سازی» با موضوع «راهبردهای تبلیغی در ترویج محبت اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در مناطق تلفیقی» برگزار گردید. در این نشست، که در روز چهارشنبه، بیست و یکم آبان‌ماه 1404، در دفتر موسسه فرهنگی ملت ابراهیم (ع) برگزار گردید، استاد ارجمند حجت الاسلام والمسلمین میثم صفری، استاد و پژوهشگر حوزه وحدت و فرق اسلامی، مسئول سابق نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه فرهنگیان زاهدان، به راهبردهای تبلیغی در ترویج محبت اهل‌بیت (ع) در مناطق تلفیقی پرداختند و مراتب محبت و شواهد آن در میان اهل سنت را متذکر شدند. متن پیش‌رو مشروح سخنان ایشان است که توسط معاونت پژوهش موسسه ملت ابراهیم، جناب حجت الاسلام محمد افشاری تهیه و تنظیم گردیده و تقدیم حضور می‌گردد.

بخش اول: سخنان حجت‌الاسلام ذبیح‌الله نوری فاضل

در این جلسه، ابتدا حجت‌الاسلام ذبیح‌الله نوری فاضل، مبلغ و پژوهشگر حوزه مطالعات وحدت، به عنوان دبیر علمی بحث را آغاز نمود. ایشان به چرایی بحث ترویج محبت اهل‌بیت (ع) در مناطق تلفیقی پرداختند و اشاره کردند در قرآن کریم، پانزده آیه درباره اجر و مزد پیامبران وجود دارد و خداوند در شش داستان پیامبران تصریح می‌فرماید: «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا»؛ یعنی پیامبران حق هیچ پاداش مادی ندارند.

اما سیر نزول این آیات به سوره شورا می‌رسد، جایی که خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»؛ این تنها مزد واجب است که امت باید به پیامبر (ص) ادا کنند: محبت و مودت نسبت به خاندانش (اهل‌بیت). بنابراین، ترویج این محبت، وظیفه‌ای اساسی برای همه مبلغان دینی، به‌ویژه در مناطق تلفیقی (مناطق که شیعیان و اهل سنت در کنار هم زندگی می‌کنند) است.

مناطق تلفیقی، عرصه‌ای است که شیعیان و اهل سنت، هر یک با حفظ شعائر و مناسک خاص خود، در کنار هم به سر می‌برند. چالش اصلی مبلغ در این مناطق، تبلیغ جایگاه ویژه اهل‌بیت (ع) نزد کسانی است که ممکن است باورمند به عقیده شیعه در باب امامت نباشند و جایگاه اهل‌بیت (ع) را آن گونه که ما معتقدیم نپذیرد و برای اصحاب نیز جایگاه بالایی قائل باشد. سوال کلیدی این است که چگونه می‌توان بر محبت اهل‌بیت (ع) به عنوان یک اصل مشترک و مقبول میان همه مسلمانان تأکید کرد، بی‌آنکه به اختلافات تاریخی در مسئله خلافت دامن زده شود.

بخش دوم: سخنان حجت‌الاسلام و المسلمین میثم صفری

سپس حجت‌الاسلام میثم صفری، استاد و پژوهشگر حوزه وحدت و فرق اسلامی و رئیس هیأت امنای مؤسسه فرهنگی ملت ابراهیم(ع)، به ارائه مباحث اصلی پرداختند.

ایشان سخنان خود را با مفهوم‌شناسی «ولایت» آغاز کردند و مراتب مختلف آن را برشمردند که در ادامه به بیان آن پرداخته می‌شود.

معانی ولایت

ولایت معانی متعددی دارد. گاهی به معنای سرپرستی و خلافت بلافصل است، گاهی به معنای اتصال و گاهی نیز صرفاً به معنای محبت. در بیانات مقام معظم رهبری نیز بر معنای اتصال و رابطه ویژه تأکید شده است. رهبری در خطبه نماز جمعه نصر، ده دقیقه در مورد معنای ولایت صحبت فرمودند. بحث علمی عمیق و بسیار جالبی بود. آن هم در خطبه نماز جمعه!

اگر کسی ولایت را به معنای خلافت بلافصل امیرالمؤمنین(ع) بپذیرد، در چارچوب مذهب شیعه اثنا عشری قرار می‌گیرد. اما اگر کسی تنها معنای محبت را بپذیرد، چه می‌شود؟ و اگر کسی اساساً محبت اهل‌بیت(ع) را انکار کند، حکمش چیست؟

بسیاری از فقهای بزرگ شیعه مانند علامه مجلسی، صاحب جواهر و امام خمینی(ره) تصریح کرده‌اند که محبت اهل‌بیت(ع) جزء ضروریات دین است. یعنی اگر فردی عامدانه و عالمانه این محبت را انکار کند، از دین خارج می‌شود. حتی برخی از علمای اهل سنت در این مسئله سخت‌گیرتر از فقهای شیعه هستند. البته برای تحقق کفر اکبر (ناصبی بودن) در فقه شیعه، شرط اضافه‌ای به نام «تدین به بغض: دشمنی را بخشی از دین خود دانستن» مطرح شده است؛ یعنی فرد علاوه بر بغض، به آن رنگ دینی دهد و آن را وظیفه شرعی بداند. یعنی کسی که بغض اهل‌بیت(ع) داشته باشد و به این بغض نیز تدین داشته باشد، ناصبی و کافر محسوب می‌شود.

مصادق بارز چنین افرادی، خوارج هستند که هم بغض داشتند و هم به آن متدین بودند. در روایات آمده که آنان «از دین خارج شدند، همچون تیری که از کمان خارج می‌شود». به همین دلیل، در تاریخ نمی‌یابیم که

امیرالمؤمنین (ع) بر کشته‌های خوارج نماز خوانده باشد. در مقابل، اهل صفین عمدتاً به دنبال حکومت و دنیا بودند و لزوماً بغض دینی نداشتند.

محبت، اصل مشترک همه مسلمانان

علامه مجلسی در بحارالانوار تصریح می‌کند: ولایت اهل بیت به معنای محبت و ورزی به ایشان، از ضروریات دین تمام مسلمانان است و اختلاف فقط در مسئله امامت و خلافت بلافصل آنان است. بنابراین، محبت اهل بیت (ع) یک اصل دینی فرامذهبی است و تنها نواصب (کسانی که متدین به بغض هستند) با آن مخالفند. حتی ابن تیمیه که مواضع تندی علیه شیعه دارد، در کتاب «حقوق آل البیت» بر وجوب مودت اهل بیت تأکید می‌کند.

علامه مجلسی در بحارالانوار می‌فرماید ولایت اهل بیت، یعنی محبت آنان، از ضروریات دین همه مسلمانان است و اختلاف تنها در امامت و خلافت بلافصل آنان است. این بدان معناست که محبت اهل بیت (ع) جزء اصول دین است، در حالی که امامت بلافصل جزء اصول مذهب شیعه.

روایت علامه: «اِخْتَلَفُوا فِي الْإِمَامَةِ»؛ در مورد امامت اختلاف شده. «خَرَجَتْ عَنْ كَوْنِهِ مِنْ ضَرُورِيَاتِ دِينِ الْإِسْلَامِ»؛ چون که اختلاف شده، این دیگر جزء ضروریات دین اسلام نیست. بعد می‌فرماید: «فَإِنَّ وِلَايَةَ أَهْلِ الْبَيْتِ أَيْ مَحَبَّتَهُمْ» - تأکید می‌کنند - «مِنْ ضَرُورِيَاتِ دِينِ جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ وَ إِنَّمَا الْخِلَافُ فِي إِمَامَتِهِمْ»؛ اختلاف در خلافتشان است. لذا حالا که اختلاف در خلافت - ولایت بلافصل - شد، آن می‌شود جزء اصول مذهب، اما این (محبت) می‌شود جزء اصول دین. (بحارالانوار جلد ۶۵ صفحه ۲۴۳)

در عالم اسلام، هیچ مذهب و مکتبی - جز نواصب - با محبت اهل بیت (ع) مخالف نیست. حتی ابن تیمیه که مواضع تندی علیه شیعه دارد، در کتاب «حقوق آل البیت» تصریح می‌کند که محبت اهل بیت (ع) تا روز قیامت واجب است.

مراتب و درجات محبت اهل بیت (ع)

استاد صفری بیان کردند که محبت یک مقوله بسیط نیست و برای محبت اهل بیت (ع) مراتبی چندگانه برشمردند:

الف. محبت تکلیفی (حداقل ضروری): پایین‌ترین مرتبه، دوستی اهل‌بیت(ع) صرفاً به دلیل امر الهی است. یعنی فرد ممکن است شناخت عمیقی نداشته باشد، اما چون خداوند فرمان داده، آنان را دوست می‌دارد. این مرتبه، مرز بین ایمان و کفر است و روایات متعددی (مانند «حُبُّ عَلِيٍّ إِيْمَانٌ وَ بُغْضُهُ كُفْرٌ») بر آن تأکید دارد.

ب. محبت معرفتی (ولایت تکوینی): در این مرتبه، دوست داشتن اهل‌بیت(ع) علاوه بر دلیل امر الهی، از روی شناخت مقامات والای آنان نزد خداوند، توانایی‌های ایشان به اذن الهی در نظام هستی و نقش آنها به عنوان «طریق الی الله» و «واسطه فیض» می‌باشد. این نگاه، در میان بسیاری از جریان‌های عرفانی و طریقتی در جهان اهل سنت نیز به وضوح یافت می‌شود.

ج. محبت همراه با اطاعت (پذیرش حاکمیت سیاسی): فرد نه تنها محبت دارد، بلکه حاکمیت من‌الله اهل‌بیت(ع) و التزام عملی به اطاعت از ایشان در عرصه اجتماعی و سیاسی را می‌پذیرد و تحت فرمان آنان قرار می‌گیرد. حتی اگر فرد به مقامات معنوی خاصی برای ائمه معتقد نباشد، اما حکومت آنان را حق و ذیل آن بجنگد؛ همان‌گونه که در جنگ صفین بسیاری از لشکریان امیرالمؤمنین(ع) با اینکه سنی بودند و نماز تراویح می‌خواندند، تحت حکومت حضرت می‌جنگیدند. این مرحله، ارزش بسیار بالایی دارد و طبق روایات، عمل صالح در سایه این اطاعت، مقبول درگاه الهی است. رهبری نیز در کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن» به این مرحله اشاره می‌کنند. ایشان یکی از روایاتش را از امام باقر(ع) که حدیث قدسی است نقل می‌کنند که خداوند متعال می‌فرماید: «لَأَعَذَّبَنَّكُمْ كُلَّ رَعِيَّةٍ فِي الْإِسْلَامِ دَانَتْ بَوْلَايَةٍ كُلِّ إِمَامٍ جَائِرٍ لَيْسَ مِنْ اللَّهِ وَإِنْ كَانَتْ الرَّعِيَّةُ فِي أَعْمَالِهَا بَرَّةً تَقِيَّةً وَ بِعِزَّتِي وَ جَلَالِي لَأُعْفُونَ دَانَتْ بَوْلَايَةٍ كُلِّ إِمَامٍ عَادِلٍ مِنْ اللَّهِ إِنْ كَانَتْ الرَّعِيَّةُ فِي أَنْفُسِهَا ظَالِمَةً مُسِيئَةً».

د. محبت مذموم و شرکی (غلو): محبتی که از حد بگذرد و به نسبت‌های ناروایی مانند الوهیت به اهل‌بیت(ع) بیانجامد، شرک و کفر است و مورد نکوهش شدید آیات و روایات قرار گرفته است. قرآن می‌فرماید: «لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ». همچنان که خداوند به کسانی که نسبت الوهیت به حضرت مسیح دادند فرمود اینها کافر شدند: «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ». کسی بگوید من زینب «اللهی» ام یا ... این کفر است هیچ شک و شبهه‌ای در کفر بودن این جمله نیست، هر چند نسبت کافر را به گوینده نمی‌دهیم. گوینده این حرف کافر نیست - حرفش کفر است. اگر گوینده این حرف بفهمد چی می‌گوید - جهلش برطرف شده باشد - باز هم تأکید به این حرف بکند، گوینده هم کافر است.

راهبرد کلیدی: تقویت محبت اهل بیت(ع) در میان جریان‌های عرفانی و طریقتی

یکی از راهبردهای مهم در مناطق تلفیقی، شناسایی و تعامل سازنده با جریان‌های عرفانی و طریقتی اهل سنت است. این جریان‌ها که به ولایت تکوینی و توسل به اهل بیت(ع) به عنوان واسطه فیض معتقدند، نقطه مقابل جریان‌های سلفی و وهابی هستند که هرگونه واسطه را نفی می‌کنند. تقویت این محبت مشترک، پل مستحکمی برای ارتباط با عموم اهل سنت و انتقال معارف اهل بیت(ع) است، بدون ورود به مناقشه تاریخی خلافت. بنابراین، هرچه جامعه سنی بیشتر به سمت عرفان گرایش یابد، از وهابیت فاصله می‌گیرد.

معرفی الگوهای اهل سنت محب اهل بیت(ع)

برای تأثیرگذاری بیشتر در مناطق تلفیقی، باید عالمان بزرگ اهل سنت که در راه محبت و دفاع از اهل بیت(ع) مجاهدت و حتی جان باختند را معرفی کرد. این الگوسازی برای جامعه اهل سنت بسیار مؤثر است. نمونه‌ها عبارتند از:

1. امام شافعی (م 204 ق) هم یک دیوان شعر دارد: سروده معروف او در مورد امیرالمؤمنین: «علی حبه جنه».
2. نگارش کتاب «فضائل أمير المؤمنين علی بن أبي طالب(ع)» توسط احمد بن حنبل (م 241 ق) و همچنین نظریه تربیع ایشان در مقابل عثمانیه.
3. امام نسائی (م ۳۰۳ ق): صاحب یکی از کتب صحاح سته اهل سنت، که به خاطر تألیف کتاب «خصائص امیرالمؤمنین(ع)» و منبر رفتن آن در برابر نواصب در دمشق که با درخواست نواصب برای نوشتن فضائل معاویه در دمشق، قرار گرفت و همانجا مورد برخورد نواصب قرار گرفت و از دنیا رفت.
4. نصر بن علی جهضدی (م ۲۵۰ ق): که در زمان متوکل عباسی کتاب «مناقب علی بن ابی طالب» را در برابر نواصب منتشر کرد و به دستور متوکل با هزار ضربه شلاق مورد شکنجه قرار گرفت.
5. «مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول» کتابی است که توسط کمال الدین محمد بن طلحه الشافعی (م ۶۵۲ ق) نوشته شده است. در این کتاب نویسنده سنی مذهب آن به سرگذشتنامه و فضایل امامان شیعه پرداخته است.

6. «كفاية الطالب في مناقب علي بن أبي طالب(ع)» اثر محمد بن يوسف گنجی (متوفای ۶۵۸ق)، عالم شافعی مذهب، درباره فضائل علی بن ابی طالب(ع) است. ایشان به دست نواصب به شهادت رسید.

جمع بندی

محبت اهل بیت(ع) یک اصل دینی مشترک میان همه مسلمانان است و انکار آن به منزله انکار نص قرآن است. تکفیر تنها مختص گروه نواصب (متدینان به بغض) است که خوارج مصداق بارز آن اند و نباید کل اهل سنت را به آنان نسبت داد.

. وظیفه مبلغ در مناطق تلفیقی، ترویج این محبت با شناخت مراتب آن و استفاده از راهبردهای عملی مانند تعامل و تقویت جریان های عرفانی محب اهل بیت و الگوسازی از عالمان سنی مروج محبت است. این رویکرد، ضمن احترام به باورهای مذهبی دیگران، اسلام ناب و مشترک را بر محور عشق به خاندان وحی تقویت می کند.

